

پاسخ به سه پرسش پیرامون متون

در شماره ۲۸ مجله، پاسخ‌های صاحب‌نظران به پرسش‌های کتاب ماه درباره ویژگی‌های نثر صوفیه منتشر شد پاسخ‌های دکتر عبدالحسین فرزاد کمی دیر به دفتر مجله رسید که در این شماره از نظر خوانندگان می‌گذرد.

□ ویژگی اصلی متون نثر صوفیه را در چه می‌دانید؟

— به گمان من نثرهای صوفیانه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

یکی نثر ساده همه فهم که برای همه مخاطبان نوشته می‌شد و در حد زبان محاوره مردم کوچه و بازار بود. مثل نثر کتاب اسرارالتوحید. در این نوع نثر معمولاً مطالب نه چندان پیچیده عرفانی به زبان ساده بیان می‌شد. بیشتر، این نثر برای حکایات عرفانی به کار می‌رفت که مبین کرامات مشایخ صوفیه بود.

اسرارالتوحید:

«حکایت — هم در آن وقت که شیخ ما به نیشابور بود روزی به گورستان حیره می‌شد، آنجا که زکیه است. به سر تربت مشایخ رسید. جمعی را دید که در آن موضع، خمر می‌خوردند و چیزی می‌زدند. صوفیان در اضطراب آمدند و خواستند که احتساب کنند و ایشان را برنجانند و بزنند. شیخ اجازت نداد. چون شیخ فرا نزدیک ایشان رسید گفت: «خدا همچنین که در این جهان خوش دلتان می‌دارد در آن جهان خوش دلتان دارد.» آن جمله جماعت برخاستند و در پای اسب شیخ افتادند و خمرها بریختند و سازها بشکستند و توبه کردند و از نیک مردان گشتند، به برکه نظر مبارک شیخ ما قدسی الله روح العزیز.»

(ج ۱ ص ۲۳۶ — چاپ دکتر شفیمی)

نوع دوم نثر صوفیه نثرهایی است که برای سالکان و اهل پژوهش نوشته می‌شد. این نثر جنبه تعلیمی دارد و از نثر قبلی اندکی فخیم‌تر است. مثل آثار شیخ احمد جام زنده بیل و تفسیر کشف الاسرار سییدی و مصباح الهدایه و کشف المحجوب و...

شیخ احمد جام:

«هرگز مپندار که بوی طریقت و حقیقت، به دماغ کسی رسد بی شریعت، آن سودا است که کسی گوید: به حقیقت رسیدم و آن مرد بر شریعت نباشد؛ و هر راهی که نه پی به شریعت کشد، آن راه زندیقی است... بدان که شریعت درخت است و حقیقت پار است و کار دو است:

کار ظاهر است و کار باطن است...»
(دکتر علی فاضل: کزیده آثار شیخ جام، ص ۸۸)

این گونه نثرها گاهی اندکی دشوارتر می‌شود اما آنقدر دشوار نیست که پژوهنده عرفان نتواند آن را درک کند:

کشف المحجوب (هجوری):
«صحو، بر تمکین و اعتدال صفت آدمیت صورت گیرد و آن حجاب اعظم بود از حق تعالی و سکر، بر زوال آفت و نقص صفات بشریت و ذهاب تدبیر و اختیار وی و فناء تصرفش اندر خود به بقای قوتی که اندرو موجود است به خلاف جنس وی. و این ابلغ و اتم و اکمل آن بود چنانکه داود (ع) اندر حال صحو بود فعلی از وی به وجود آمد. خداوند تعالی، آن فعل را به وی اضافه کرد و گفت: و قتل داود جالوت. و مصطفی (ص) اندر حال سکر بود فعلی از وی به وجود آمد؛ خداوند تعالی آن فعل را به خود اضافه کرد. قوله تعالی: و ماریت اذ رمیت و لکن الله رمی...» (ص ۲۳۰).

نثرهای صوفیانه گروه سوم در حقیقت اندیشه‌ها و یافته‌های صوفیان بزرگی است که زبان خاص خود را دارند و گفتارشان آکنده از رمز و تمثیل و شطحیات است و مخاطب معمولی نمی‌تواند به آن نزدیک شود. مثل آثار عین‌القضات و شهاب‌الدین سهروردی و شیخ شطاح روزبهان بقلی و...

عقل سرخ (شهاب‌الدین سهروردی):
«دوستی از دوستان عزیز مرا سؤال کرد که مرغان زبان یکدیگر دانند؟
گفتم: بلی دانند.

گفت: ترا از کجا معلوم گشت؟
گفتم: در ابتدای حالت چون مصور بحقیقت خواست که نیست مرا پدید کند مرا در صورت بازی آفرید و در آن ولایت که من بودم دیگر بازان بودند. ما با یکدیگر سخن گفتیم و شنیدیم و سخن یکدیگر فهم می‌کردیم.
گفت: حال بدین مقام چگونه رسیدی؟

گفتم: روزی صیادان قضا و قدر دام تقدیر بازگسترانیدند و دانه ارادت در آنجا تعبیه کردند و مرا بدین طریق اسیر گردانیدند. پس از آن ولایت که ایشان ما بود به ولایتی دیگر بردند. آنکه هر دو چشم من بردوختند و چهار بند مخالف بر من نهادند و ده کس را بر

من موکل کردند...»

چنانکه ملاحظه شد این نثر بدون گشودن رمزهای آن، برای خواننده عادی قابل درک نیست.

□ اهمیت این متون در فرهنگ ادب پیشین ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

— به گمان من عرفان‌گرایی ادامه نهضت شعوبیه در ایران است که برای مقابله با کسانی اوج گرفت که دین را وسیله امیال و سلطه استبداد خود قرار داده بودند و برای از میدان به در گردن مصلحان و دینداران حقیقی و احیاناً رقیبان سیاسی خود همواره از دین خرج می‌کردند. من پیدایش جریان‌هایی چون ملامتیه، را عکس‌العملی در برابر دین‌فروشان ظاهرالصلاح می‌دانم که با فریب خلق خدا، به مقام و مال و منال می‌رسیدند. این حرکت‌ها به مردم هشدار می‌داد تا فریفته ظاهر حاکمان و سلاطین زربپرست و سفاک نشوند. حافظ شیرازی در غزلیات خود گوشه‌ای از سالوس و ریای دین‌فروشان را مورد حمله قرار داده است.

بنابراین متون صوفیه که لااقل در قرن‌های پیشین (تا حدود قرن ششم) نوشته شده است بسیار ساده و همه فهم است. متأسفانه بعدها از عرفان‌گرایی سوءاستفاده‌های فراوان شد و به صورت عنصری بازدارنده در برابر جنبش‌های مردمی قرار گرفت. در حمله مغول دیدیم که بسیاری از عرفای بنام که دم از فتای فی‌الله می‌زدند و گروهی مرید خام را فریفته بودند، برای نجات جان خود حتی زن و فرزند خود را برای مغولان گذاشتند و گریختند...

از جهت نقد جامعه‌شناختی به ویژه آسیب‌شناسی اجتماعی، متون عرفانی بخش‌های مهمی از لایه‌های جامعه ما را نشان می‌دهد که برخی نابسامانی‌های فرهنگی را در اقدامات حساب شده‌ای برای عقب نگه‌داشتن مردم و ممانعت آنان از پویایی و آگاهی به حقوق خویش می‌توان ردیابی کرد. این متون بسیار دقیق‌تر از متون تاریخی نشان می‌دهد که چگونه خلق خدا به وسیله گروهی شاید به یأس و انفعال کشیده می‌شدند؛ به مردم چنین القا می‌کردند که این بدبختی و مذلت باعث نزدیک‌تر شدن شما به حضرت حق می‌شود و هرچه گرسنه‌تر و برهنه‌تر باشید، آمادگی بیشتری برای وصل به معبود پیدا می‌کنید. بدین ترتیب

گفتگویی کوتاه با پروین سلاجقه ادبیات یک مسئله جهانی است

«ژرار ژنت» نظریه پرداز بزرگ نقد و زیبایی شناسی ادبی، مبحث مجاز مرسل با محور «دلالت‌های مجازی» و همچنین استعاره و مباحث بعد از آن با محور «دلالت‌های شاعرانه» قابل انطباق باشد. به همین دلیل در جلد دوم کتاب سعی بر این است که بطور مفصل این دیدگاه‌ها و به ویژه محور دلالت‌های شاعرانه، استعاره، نماد، ایماژ، زیبایی شناسی واژگان و... مورد بررسی قرار گیرد.

□ آیا شما در کتاب خود به زیبایی شناسی شعر صرفاً در ادبیات فارسی توجه و تأکید نموده‌اید؟

به نظر من ادبیات یک مسئله جهانی است و همه جا ابزارهای مشترکی دارد. من زیبایی‌های شعر را در شعر همه شاعران جهان می‌بینم و اصلاً قابل تقسیم به ادبیات یک کشور خاص نیست و ما یلیم مخاطب من، اینطور برخورد کند، که این، زیبایی شناسی شعر به صورت اعم است. در کتاب بعدی سعی کرده‌ام از ترجمه‌های شعر، شاعران خارجی هم استفاده کنم و نشان دهم که این معیارها جهانی هستند. من دوست داشتم اسم کتاب را زیبایی شناسی متن و ادبیات بگذارم، چون نکاتی در متن ادبی رمان و داستان هست که از نظر زیبایی شناسی ممکن است از شعر قوی‌تر باشد. در هر حال این کتاب، یافته‌هایی است که به آن رسیده‌ام و به تشویق استادان و دانشجویانم به شکل کتاب درآورده‌ام.

□ خانم سلاجقه، غیر از این مبحث، در چه زمینه‌های دیگری فعالیت دارید؟

در زمینه‌ی نقد ادبی و اولین کاری که در این مبحث برای چاپ آماده شده است، نقد ساختاری آثار هوشنگ مرادی کرمانی است که در واقع شماره نخست از یک مجموعه است و در جلدهای دیگر به نویسندگان دیگر نیز خواهیم پرداخت.

بخش دیگری از کارهایم مربوط به ادبیات کودکان می‌شود. اولین داستانم با نام قصه تالاب در سال ۷۷ منتشر شد و به عنوان کتاب سال زیست محیطی انتخاب شد. در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، سه عنوان کتاب، هم اکنون زیر چاپ دارم؛ مجموعه شعر کودک با نام سروده‌های باغ قدیمی، بازآفرینی بخشی از ادبیات فولکلوریک با نام افسانه‌های سرزمین آبی و یک داستان با عنوان بنفشه کوچولو. همچنین یکی دیگر از زمینه‌هایی که در حال حاضر بخشی از فعالیت ادبی مرا دربرمی‌گیرد آماده‌سازی رساله‌ی فارغ‌التحصیلی‌ام است که در زمینه‌ی تحلیل و بررسی نمادهاست.

پروین سلاجقه عضو هیئت علمی دانشگاه و دانشجوی دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی است، وی به تازگی کتاب درآمدی بر زیبایی شناسی شعر را منتشر کرده است. با او گفت‌وگویی کوتاه انجام داده‌ایم که در پی می‌آید:

□ خانم سلاجقه ابتدا درباره‌ی ویژگی‌های کتاب بگویند و اینکه چطور شد این مبحث را انتخاب کردید؟

از آنجا که علاقه‌مند به مباحث زیبایی شناسی شعر بودم، برای تدریس این درس را انتخاب کردم، اما احساس می‌کردم معانی و بیان، سنتی و نحوه‌ارایه‌ی آن هم سنتی است و نیز استفاده از شاهد مثال‌های خیلی قدیمی و کهن نمی‌تواند علاقه دانشجویان را به خود جلب کند. این بود که تصمیم گرفتم کارم را در زمینه زیبایی شناسی از همان معانی و بیان شروع کنم. بدین منظور پایه‌های اصلی معانی و بیان را که سنتی هستند، اساس قرار دادم و از شاهد مثال‌های جدید استفاده کردم، نحوه‌ی بیان نیز ساده است. ویژگی دیگر کتاب این است که برای هر مبحث تمرین‌هایی را در نظر گرفتم که دانشجویان بتوانند این ابزار علمی را در متن بکار ببرند و تشخیص دهند.

این کتاب در واقع دو جلدی است و جلد دوم آن هم که در حال آماده شدن است تکمله‌ی این کتاب خواهد بود که به طور مفصل از حوزه معانی بیان سنتی فزاتر رفته و مباحث جدید و نظریه‌های زیبایی شناسانه را به طور علمی دربرمی‌گیرد.

□ آیا کتاب فقط شامل زیبایی شناسی شعر است؟

در واقع در جلد اول بیشتر به زیبایی شناسی شعر توجه شده است ولی از آنجا که مباحث نظری که در زیبایی شناسی ادبی مطرح می‌شود قادر است کلیه‌ی متون ادبی را مورد تجزیه و تحلیل زیبایی شناسانه قرار دهد، این مباحث نیز قابل تعمیم به کل ادبیات است که در نقد زیبایی شناسی متون ادبی - یکی از شاخه‌های نقد ادبی - می‌تواند راهگشا باشد. به ویژه در جلد دوم که دیدگاه‌های زیبایی شناسانه‌ی نظریه پردازان اخیر به شکل نظری و کاربردی مورد توجه است. از آنجا که ادبیات مسئله‌ای مشترک بین همه انسان‌هاست نظریه‌های مربوط به آن نیز در هر قسمت از جهان که مطرح شود ریشه‌ی مشترک دارد. به طور مثال مباحث مربوط به فصاحت و بلاغت و اسناد خبری که بخش مهمی از معانی و بیان سنتی را دربرمی‌گیرد می‌تواند با محور «دلالت‌های زبانی» در آراء

نثر صوفیه

سران و سلاطین با خیال آسوده به غارت بیت‌المال و حقوق مردم اقدام می‌کردند. داستان جدال سعدی با مدعی، در کتاب گلستان که در قرن هفتم و در روزگار سلطه‌مغول تألیف شده است، به خوبی شعارهای مذلت و نکبت‌پذیری را که در میان مردم به اسم دین و عرفان رواج داده بودند نشان می‌دهد. در جای دیگر سعدی آینه‌وار می‌گوید:

ترک دنیا به مردم آموزند

خویشتن مال و غله اندوزند
به بیان دیگر سرانجام صوفیگری دستگیری بسیار نیرومند برای سلاطین و دین فروشان و ثروتمندان شد.

□ فرهنگ و ادبیات امروز ایران چه بهره‌ای از این متون می‌تواند بگیرد؟

— البته چون تاریخ مصرف این متون گذشته است مستقیماً نمی‌تواند مورد استفاده باشد اما به عنوان فرهنگ مردمی و راه نزدیک شدن به توده‌ها می‌تواند تجربه‌ای باشد که به عنوان یک حرکت از سوی مصلحان اجتماعی (مقصود شعوبیان است) در ظرف زمانی معین، مورد توجه قرار گیرد. البته نثر ژورنالیستی معاصر ما تا حد زیادی همانند نثر ساده صوفیانه است؛ نثری بدون تکلف و مغلق‌گرایی.

یکی از پژوهشگران معاصر، پاره‌هایی از سخنان صوفیان را با قطعاتی از شعر آزاد معاصر در برابر هم قرار داده است که چندان هم بی راه نیست. صوفیان با آن زبان ساده در میان گروه‌های مختلف مردم طرفدارانی فراوان یافته بودند. شاید بدین جهت بود که خود این صوفیان اکثر از میان گروه‌های زحمت‌کش و رنجبر و پیشه‌ور جامعه بودند. یکی خرمافروش بود دیگری زنبیل‌یاف و حصیرباف و...

به بیان دیگر می‌توان گفت که نثر ساده‌ی عصر مشروطه، خود بازگشتی به نثر ساده صوفیانه بود. زیرا مخاطبان آنان توده مردم بودند. این نثر بعدها به وسیله نویسندگان معاصر تا حد محاوره، ساده شد. قصه‌ها و رمان‌های معاصر تقریباً همه به این نثر است، تا آنجا که توده مردم غالباً کتاب‌خوان را کسی می‌دانند که رمان‌خوان باشد، یعنی قصه‌گویی ساده عرفا، اکنون جایش را به قصه‌نویسی و رمان‌نویسی معاصر داده است.

عبدالحسین فرزاد